

نگاهی بر چند ماده عمده معاهده آب هلمند (هیرمند)

من که در دامن هیرمند زاده و پرورده شده ام و نیمی از عمرم را وقف سیستان شناختی کرده ام و مدو جذر آن رودخانه را از ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) ببعده دیده ام، میخوامم بر چند ماده مهم معاهده آب مجدداً نگاه کنم و اندکی بر توضیحات میراکبر رضا (ریس کمیسیون هیات افغانی مذاکره در باره معاهده آب هلمند) مکث کنم.

در توضیحات انجنیر میراکبر رضا، که داکتر سید عبدالله کاظم آنرا در کتاب «بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران» اقتباس کرده است، و در آخر میگوید: «در معاهده ۲۲ حوت ۱۳۵۱ ما به ایران در سال نورمال و سالهای سیل آبی یک هشتم [آب] را میدهیم و در سالهای خشک سالی مقدار آب به تناسب ریکاردهای خشک سالی تقلیل می یابد و تقریباً یک بر سیزدهم آب هلمند را به ایران می دهیم که به این اساس ماحق افغانستان را به حیث مالک هلمند تثبیت کردیم و تنها یک مقدار معین آب را برای ایران دادیم که ۲۶ متر مکعب فی ثانیه در سال نورمال و در سال سیل آب است و با این ترتیب آنها در مورد آب هلمند دیگر شریک ما نیستند.» (ص ۱۴۸) سه نکته مهم به چشم میخورد:

نکته اول، اینست که میگوید ۲۶ متر مکعب فی ثانیه حقابه ایران در سال نورمال و سالهای سیلابی است که معادل یک هشتم آبی میباشد که در رودخانه هلمند جریان دارد.

نکته دوم، اینست که میگوید حقابه ایران در سالهای خشک سالی به یک بر سیزدهم آب هلمند تقلیل می یابد.

نکته سوم، اینست که میگوید ایران با گرفتن ۲۶ متر مکعب آب در ثانیه، دیگر شریک ما نیست!

این سه نکته، در خود معاهده آب هلمند (هیرمند) در مواد دوم، پنجم و دهم این معاهده نیز با کلمات و عبارات متفاوت تر بازتاب یافته است که برای جانب افغانی هنگام بحث برحقابه بسیار بسیار بدرد میخورد.

برطبق ماده دوم معاهده، ایران در سال نورمال آبی افزون بر ۲۲ متر مکعب آب برطبق نظر کمیسیون بیطرف دلتای هیرمند مقدار ۴ متر مکعب در ثانیه به خاطر حسن همجواری، از آب هلمند گرفته میتواند که مجموعاً ۲۶ متر مکعب آب فی ثانیه از رودخانه هلمند مستحق شناخته شده است. و در ماده سوم محل توزیع آب به ایران از سه نقطه مشخص شده: یکی از نقطه که خط سرحدی وارد رودسیستان میشود و دو نقطه دیگر در بین پایه های ۵۱ و ۵۲ سرحدی در بستر رود مشترک معین شده است.

برطبق ماده سوم ایران حق ندارد بغیر از سه نقطه معینه در قرارداد از محل دیگری یا بوسیله دیگری از رودخانه هلمند آب بگیرد. اما ایران با وجود رود سیستان و رود پریان و نهر گلگیر (۱) و گلگیر (۲) و نهر جریکه و چندین نهر دیگر که بسوی ایران جریان دارد، در حدود ۱۰۰ پایه واتر پمپ (۱۲-۲۴ انچه) را بر رود مشترک نصب کرده، و با این کار خود از ۲ تا ۳ میلیارد متر مکعب آب را که ۳ برابر حقابه اش است (حقابه ایران در سال نورمال آب سالانه ۸۲۰

میلیون متر مکعب میشود) در چاه نیمه های زابل انتقال میدهد. ولی هنوز هم داد و فریاد میزند که افغانستان از دادن حقابه ایران تعلل میورزد و ذهنیت جامعه ایران و جهان را علیه دولت افغانستان خراب کرده میرود.

در ماده پنجم معاهده، ممنوعیت ادعای اصافه طلبی ایران چنین تصریح شده است: «ایران هیچگونه ادعائی برآب هلمند (هیرمند) بیشتر از مقادیریکه طبق این معاهده تثبیت شده است، ندارد. حتی اگر مقادیر آب بیشتر در دلتای سفالی هلمند (هیرمند) میسر هم باشد و مورد استفاده ایران هم بتواند قرار گیرد.»

ماده نهم راه حل هرگونه اختلافات برسر توزیع آب هیلمند را از طریق گفتگوی دیپلماتیک و مساعی جمیل طرفین و در نهایت سپردن موضوع به هیات حکمیت مطابق مندرجات پروتوکول شماره دوم ضمیمه معاهده پیش بینی کرده است.

و در ماده دهم، دایمی بودن معاهده چنین تضمین شده است: «افغانستان و ایران قبول دارند که این معاهده ممثل (بیانگر) موافقت کامل و دایمی دولتین میباشد و احکام این معاهده محض (صرفاً) در داخل حدود محتویات آن اعتبار دارد و تابع هیچ یک اصل (پرنسیب) یاسابقه (پرسدنت) موجود یا آینده نمی باشد.»

تخطی ایران از مواد معاهده آب هلمند:

سلطان محمود محمودی رئیس آب وانرژی ولایت نیمروز در عهد حکومت اشرف غنی در مقالاتی از تخطی های ایران در استفاده غیر مجاز از آب هلمند مینویسد:

- احداث دهها ساختمان آب گیر بر رودخانه هلمند در مرز آبی مشترک؛
- نصب بیشتر از صد پایه و اترپمپ در محدوده مرز آبی مشترک؛
- احداث چهار چاه نیمه که هر کدام آن دارای ظرفیتهای قابل ملاحظه بوده و توسط کانال "جریکه" آب رودخانه هلمند و سایر رودخانه ها به طرف نیمه چاهها (ذخایر آبی) در خاک ایران جریان داده میشود؛

• احداث بند کهک به منظور مرفوع ساختن نیازمندیهای شان به آب و بعد پایین آوردن دروازه های بند و منحرف کردن سیلابها به طرف نیمروز افغانستان که خسارات فراوانی را به خاک افغانستان وارد میکند؛

• عریض ساختن رود سیستان نظر به عرض سابقه آن و جریان دادن آب شاخه سیستان رود هلمند به طرف زابل آن کشور؛» (روزنامه ۸ صبح ۲۶ دلو ۱۳۹۶)

وحیدمژده مؤلف کتاب تاریخ روابط سیاسی افغانستان و ایران در صد سال اخیر، نوشته است که «براساس مشاهدات هایدروولوژیکی ولایت های هلمند و نیمروز، مقدار جریان آب در طول ۲۷ سال گذشته از ذخیره بند کجکی بالای دریای هلمند در دستگاه پیمایش آب دهرآود بصورت اوسط (۱۷۶ / ۰) مترمکعب فی ثانیه، بالاتر از ذخیره بند ارغنداب (۴۰ / ۶) مترمکعب فی ثانیه بوده و اوسط جریان آب در این مدت در دستگاه پیمایش آب در (خوابگاه) که آغاز مرز ایران با افغانستان در رود هلمند است، (۱۴۰ / ۰) متر مکعب فی ثانیه و در "شیله چرخ" (۷۶ / ۲) مترمکعب در ثانیه بوده است. تفاوت آب این دو استیشن یعنی (۱۴۰ / ۰) منفی (۷۶ / ۲ = ۶۳) مترمکعب در ثانیه میشود که مقدار مصرف ایران از آب هلمند را نشان میدهد و این رقم تقریباً سه چند مقدار آبی است که در قرار داد هلمند حقابه ایران شناخته شده و ایران در طول ۲۷ سال گذشته (قبل از ۲۰۰۰) سه برابر سهم خود از آب هلمند استفاده کرده است.

رپور های دیگری نیز در دست است که نشان میدهد طرف ایران با اعمال غیر مجاز، تخطی هائی را در آب مشترك رود هلمند انجام داده است مثلاً:

- احداث نهر جدید گلگیر در موقعیت غرب نادعلی و در جنوب نهر گلگیر سابق درمقابل تهانء منشى.

- احداث نهر جدید در نزدیك بندكهك و انشعاب رود سیستان از هلمند به استقامت چاه نیمه.
- حفريك نهر جدید دیگر در کنار شمالی ریگ پریان.
- حفر چهارکانال در ساحهء واقع در میان بندکمال خان و بند لخشك.
- وسعت دادن دهنه نهر گلگیر و پیوست گردانیدن آن به رود هلمند.
- استفاده از رود متروکهء پریان که از دهها سال به اینطرف مسدود و بلا استفاده بود و پیوست گردانیدن آن به رود مشترك.
- تصرف قسمت هائی از خاک افغانستان چون ساحهء نهر سابقهء سیخسر، ساحهء لخشك، ریگ پریان و برخی از ساحات دیگر واقع در جناح چپ دریا» (وحدمژده، تاریخ روابط سیاسی افغانستان و ایران، قسمت سوم، افغان جرمن آنلاین).

عبدالصیر عظیمی وسید علی حسینی دریک مقاله مشترك در ۸ صبح کابل مینویسند: «آب تنها مزیت رقابتی افغانستان در مقایسه با کشورهای همسایه است، به شرطی که افغانستان توانایی مهار و کنترل آن را داشته باشد. افغانستان اول از همه باید قدرت کنترل و مهار آبهای خویش را داشته باشد، تا تضمینهای حداقلی برای مقابله با دخالتهای منفی و توازن با همسایهگان ایجاد شود. بعضی تصورات نادرست به ارتباط فراوانی آب در افغانستان وجود دارد که گویا این کشور دارای آبهای سرشار است که می تواند در مقابل نفت، یا دسترسی به بنادر آزاد، یا برخی از امتیازات با کشورهای همسایه تبادل شود و کدام مشکلی برای کشور ایجاد نشود. حداقل در غرب و جنوب غربی افغانستان نه تنها این تصورات نادرست است، بلکه حداقل آبی که برای زنده ماندن خود این مناطق لازم است نیز وجود ندارد....»

طرف ایرانی بارها تلاش کرده است که با هوشیاری و تحت عنوانهای مختلف زمینه تعدیل یا اضافات را در معاهده هلمند باز کند؛ واضح است که تن دادن به انجام چنین کارهایی به هیچ وجه در راستای منافع ملی ما نیست. همانطور که گفته شد کمیساران فقط وظیفه تحویل مقدار آب تعیین شده و نظارت بر اجرای معاهده را دارند و بس. بنابراین، باید جلوی هرگونه مذاکرات و توافقات غیرقانونی، مانند تدوین اساسنامه پیگیری حقایق رودخانه هلمند گرفته شود. مطابق ماده پنجم معاهده هلمند، پس از تحویل حقایق ایران «افغانستان با حفظ تمام حقوق بر باقی آب رود هلمند، هر طوری که خواسته باشد، از آن استفاده می نماید و آن را به مصرف می رساند. ایران هیچ گونه ادعایی بر آب هلمند بیش تر از مقادیری که طبق این معاهده تثبیت شده است، ندارد - حتا اگر مقادیر آب بیش تر در دلتای سفلی هلمند میسر هم باشد و مورد استفاده ایران بتواند قرار گیرد.» بنابراین، این وظیفه ملی ما است که اگر مجسمه موسی شفیق را در میدانهای شهرهای نیمروز و کابل نصب نکردیم، حداقل از میراث او نگه داری کنیم.» (روزنامه ۸ صبح ۱۸ دلو ۱۳۹۹)

انجنیر محمود حیدری یکی از فعالان افغان دربرگه خود در تاریخ اول سپتمبر ۲۰۱۸ درباره تخطی و دست اندازی ایران بر آب و خاک افغانستان یک نقشه هوایی که توسط ستلایت از فضای رودخانه هلمند از بند سیستان گرفته شده بزبان پشتو مینویسد: «ایران په افغانستان سرحداتو کی د نړیوال قوانینو څخه سرغړونه کړې ده، افغانستان خاورو ته لاسوهنه کړې ده او د سرحد کرښې بدل

کری ده، دریا بستر د کیندلو په واسطه کی ژوره کری ده او سیند اصلی مسیر خان لخواه بدل کړیده. (یعنی ایران سالهاست که با خلاف ورزی آشکار از قوانین بین المللی به پیشروی داخل خاک افغان



نقشه بالا پیشروی ایران را بداخل بستر هیرمند و تصرف صدها کیلو متر مربع خاک افغانستان از نقطه وصل خط سرحدی در رودخانه هیرمند نشان میدهد.

پرداخته و با کندن بستر رودخانه هیرمند مسیر رودخانه را به بسمت خودش تغییر داده است.» (اسماعیل محبوب)

از اینجا میتوان دریافت که دادن خریطه های مملو از یورو از سوی ایران به آقای کرزی، بخاطر چین سبز یا چشمک زدنهایس داده نمیشده، بلکه در بدل بردن آب اضافی از رودخانه هلمند و عقب زدن نشانه های سرحدی بفرص تصرف خاک افغانستان و مصونیت اجنتان ایران در مقامات بلنددولت و ترویج فرهنگ صیغه و دشمنی با اصطلاحات پشتو و نام افغان و افغانستان نیز بوده است. بدینسان برای اولین بار در تاریخ دولت مداران صدسال اخیرکشور مهر رشوت گیری رسماً برپیشانی رئیس جمهور افغانستان زده شد و کرزی « بدون خجالت از ملت و تاریخ این کشور، به گرفتن این رشوت اعتراف کرد؟! » و سازمان ملل متحد هم بخاطر این عمل « ضد شرافت و عزت افغانی او » درگرفتن خریطه های رشوت از سفارت ایران، مقام درجه دوم فساد در جهان را به نام نامی حامدکرزی ثبت کرد.

چون افغانستان هنوز دچار بحران سیاسی بلحاظ عدم برسمیت شناختن از سوی اعضای سازمان ملل متحد است ایران بحیث یک قدرت نظامی منطقه میخواهد از این بحران به نفع خود استفاده کند و بنابراین طالبان را به جنگ تهدید میکند تا آنها را مجبور به تجدید نظر معاهده آب هلمند نماید. اما عناصر هوشیار ملیگرای در میان طالبان حضور دارند که فکرنمیکنم از زورگویی دولت مردان ایران بترسند. و هرگز حاضر نخواهند شد از مفاد مواد دوم و سوم و پنجم و نهم و دهم با دو پروتوکول معاهده چشم ببوشند. ایران هر قدر برطبل زورگویی خود بکوبد به همان اندازه طالبان از حمایت مردم افغانستان برخوردار خواهند شد.

پایان ۳۱ / ۵ / ۲۰۲۳